

حجاب

در نگرش و نگارشی تازه

مهری سوییژی

مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری

سرشناسه	: سویزی، مهری
عنوان و نام پدیدآور	: چرایی حجاب و عفاف / نویسنده مهری سویزی.
مشخصات نشر: تهران	: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۱ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۰۱-۰۹-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: حجاب.
موضوع	: حجاب - جنبه های قرآنی.
شناسه افزوده	: ایران. ریاست جمهوری. مرکز امور زنان و خانواده
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ چ ۴ س ۹ / ۱۷/ ۲۳۰ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۳۱۹۲۵۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

عنوان: چرایی حجاب و عفاف

نویسنده: مهری سویزی

ویراستار: زهره نظری - زینب کثیری

طراح جلد: فاطمه جعفریگلو

لیتوگرافی، چاپ - صحافی: سپیدبرگ

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۸۷

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۱۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۰۱-۰۹-۳

ناشر: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری

شماره تلفن: ۳-۶۴۴۵۳۱۶۲

دورنگار: ۶۴۴۰۳۰۳۸

سایت: www.women.gov.ir - www.women.org.ir

نشانی ناشر: خیابان انقلاب - بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه - خیابان شهید لبافی نژاد -

شماره ۱۲۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۹	دیباچه
۱۷	واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات
۲۲	تأکیدات هفده گانه قرآن بر حجاب و عفاف
۲۴	چرایی و فلسفه لباس، حجاب، عفاف
۵۲	جلوه های مهرآمیز حجاب
۵۵	هسته اصلی حجاب
۵۶	اصلی ترین هدف حجاب
۶۰	حجاب و حق متفاوت بودن
۶۲	حجاب و آزادی اندیشه
۶۴	حجاب و جامعه بر مبنای فطرت
۶۸	حجاب و حقوق عمومی
۷۰	حجاب نه بزرگ به مردسالاری
۷۲	حجاب یک معبد سیال
۷۳	حجاب زمینه ساز تقدم بلوغ فرهنگی
۷۶	حجاب کاهنده آزار روحی
۷۸	حجاب پایان بهره کشی
۷۹	حجاب حضور با سرمایه انسانی
۸۳	حجاب ستیزی یک نافرمانی دینی
۸۶	حجاب مشترک مشهود جهان اسلام
۸۸	حجاب یک جامعه پذیری آرمانی
۹۱	حجاب و تطابق با خصیصه های روانی زن
۹۴	حجاب و مسئولیت پذیر نمودن آزادی
۹۶	حجاب تسهیل گر مشارکت اجتماعی
۹۸	حجاب محدودیتی مصونیت آور
۹۹	پیامدهای بی حجابی
۱۰۱	وقتی صدای اصلی زنان اجتماع می شود
۱۰۷	چگونگی پوشش
۱۱۱	منابع

پیشگفتار

جهان درحالی به قرن بیست و یکم وارد گردید که جدال بین سنت و مدرنیته دیر زمانی آغاز شده و بر اندیشه انسان سایه افکنده است. سنت‌ها در جوامع انسانی، ریشه‌های مشترکی با ادیان دارند. آنچه بر قداست برخی سنت‌ها می‌افزاید و آن را باارزش می‌سازد، اشتراکات میان ادیان الهی و سنت‌های اخلاقی جوامع انسانی است.

در میان تعارضات موجود میان سنت و تجدد، پرچم‌تیزترین مقوله روز را می‌توان در قالب ضرورت مسئله پوشش برشمرد. دین مبین اسلام به عنوان متکامل‌ترین دین الهی، بیشترین توجه را به پاسخ این موضوع معطوف نموده است، هرچند تمام ادیان آسمانی فی الجمله بر ضرورت و قداست پوشش صحه گذارده‌اند و همه متفق‌القولند که اصل حجاب، ضمانت سلامت جامعه و صیانت از مقام زن محسوب می‌شود و تنها با رعایت اصل پوشش می‌توان حضور زن را در جامعه به حضوری انسانی ارتقا بخشید.

موضوع حجاب در سده اخیر یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فرهنگی جهان محسوب می‌شود که توانسته است مصالح اجتماعی را متاثر سازد؛ به حدی که گرایش زنان به حجاب در برخی جوامع غربی، به منزله تهدیدی بزرگ بر بنسبانی تفکر سیاستمداران و سرمایه‌داران غربی تلقی می‌شود و منع حجاب در غرب، نشانه آشکاری بر استیصال و ضعف قدرت‌های حکومتی در برابر تأثیرات عظیم فرهنگ اسلامی در این زمینه می‌باشد.

در ایران نیز با توسعه ادبیات روشنفکری به ویژه در میان نسل جدید و انتشار فراگیری دامنه‌شبهاتی که از طریق دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه، روز به روز سرعت

می‌یابد، بر اهمیت تبیین و تبلیغ مسئله حجاب افزوده می‌شود. این شبهات و تهاجمات برنامه‌ریزی شده فرهنگی، بیش از پیش بر سنگینی رسالت مسئولین و خانواده‌ها که نقش زیربنایی آنها در تربیت اجتماعی انسان، حقیقتی غیر قابل انکار است، می‌افزاید.

از این رو مرکز امور زنان و خانواده به عنوان یکی از متولیان امر تحکیم بنیان خانواده، بر خود ضروری می‌داند یکی از دغدغه‌های فرهنگی خود را توسعه و تبیین مقوله حجاب قرار داده و در حد بضاعت خویش در این مسیر مقدس گام بردارد. لذا سعی شده تا با انتشار کتب مختلف در این زمینه بر این هدف، تصریح نماید. امید که در سایه عمل به حقایق و حیانی، شاهد توسعه و تکامل روزافزون جامعه اسلامی خود باشیم.

مرکز امور زنان و خانواده

دیباچه

امروز جامعه ما از افتخار بزرگ عقیده‌مندی به اسلام برخوردار است. افتخاری که فراتر از دلبستگی قلبی به یک پابندی عملی فراز یافته و فراتر از احساس فردی یا غرور جمعی است و زمینه پدیداری و پایداری یک نهضت عظیم الهی را فراهم ساخته، آن هم در جهانی که گرفتار دو نوع الحاد بوده است: الحاد ماتریالیستی برای سرکوبی خدا و الحاد لیبرالیستی برای سرپیچی از خدا.

الحاد اول شرق عالم را به رهبری شوروی سابق درنوردید و الحاد دوم غرب عالم را به رهبری آمریکای لاحق در برگرفت. انسان حاضر در این جهان می‌بایست یکی از این دوسو را انتخاب می‌کرد: یا فروماندگی در الحاد شرق یا فرومایگی در الحاد غرب. انسان و نظام‌های وابسته به او یکی از این دو را باید می‌پذیرفتند: یا ماتریالیسم را با گزاره «خدا نیست»، یا لیبرالیسم را با گزاره «خدا هست»، اما «بازنشسته شده است» و این یعنی خدایی که هیچ ظهور و حضوری در زندگی و جامعه انسان ندارد و نمی‌خواهد داشته باشد و اگر بخواهد نیز، چون دور اومانیزم و حاکمیت از آن انسان است پس مجالی برای حاکمیت خدا نمی‌ماند. تنها راه برای او، بازنشستگی از حضور است!

و البته در چنین نظام‌هایی، اعتقاد به خدا، نه فقط به عنوان یک احساس رمانتیک و نازک خیالانه فردی، بلامانع است که حتی قابل تبلیغ نیز هست.

اما در دنیایی چنین تاریک و هول‌انگیز که پر از تردید و تباهی است ناگهان نوری بلند و بالنده از «شمس شریعت» تابیدن می‌گیرد و مردمی را در گوشه‌ای از این کره خاکی که زخمی هر دو الحادند، بیدار می‌کند و در برابر نگاه ناباورانه تحلیل‌گران علوم سیاسی و

نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و ... راه‌سومی را که نه شرقی است و نه غربی و حقیقتاً انفجار نور است، پدیدار می‌کند. در همان زمان رهبر عظیم‌الشان انقلاب به درستی فرمودند:

«انقلاب ما انفجار نور بود»

ماهیت نور روشنایی است و انفجار نور علاوه بر ماهیت روشنایی حکایت از شدت روشنایی و وسعت روشننگری و همچنین اختبار از ناگهانی بودن آن، که خود شگفتی دیگری است، دارد و انقلاب اسلامی مردم ایران چنین بود.

انقلاب اسلامی از حیث موضوعیت بر اسلام و قوانین مترقی آن استوار بود و از حیث طریقت بر جمهوری و حضور مردم و این ترکیب جدیدی بود در دنیایی که نظام‌های سیاسی‌اش در بلوک شرق به «انکار حق» مشغول بودند و یا در بلوک غرب به «اعراض از حق». این ترکیب جدید اسلامیت و جمهوریت، پیام تازه‌ای را به جهان مخابره کرد که در کشوری حضور و جمهور مردم برای حاکمیت اسلام، یک نظام مبتنی بر ارزش‌های دینی را پدید آورده است و این آغاز راه بود و از آنجا که حقیقت انقلاب، انقلاب در فرهنگ، در عادات‌های اجتماعی، عرف و در یک کلام در قلوب و نفوس بود، پس می‌بایست پس از واقعه مبارک پدیداری، بیش از همه برای واقعه مبارک‌تر پایداری تلاش می‌شد. فلذا از همان سال‌های نخستین پیروزی انقلاب دغدغه مهم توسعه و تحکیم شعائر الهی و آرمان‌های امام به عنوان یک مبنای بنیادی در دستور کار سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، اجرا و نظارت قرار گرفت. از همین روی نهادهای ارزشمندی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی که وظیفه گسترش فرهنگ انقلاب را داشت پدید آمد و بدون شک یکی از این دغدغه‌های مهم که در بعد فردی یک فرمان و فریضه الهی است و در بعد اجتماعی به عنوان شاخص و معرف جامعه اسلامی و فاروق این حکومت از سایر حکومت‌هاست، مسئله حجاب و عفاف است که موضوع مهمی است. مع‌الاسف به رغم اهمیت آن، در زیر آواری از تهدیدها، غفلت‌ها و کج‌سلیقگی‌ها قرار گرفت؛ تا جایی که وضعیت پدیدآمده امروز را هم شاهدیم و هم وارث.

موضوع حجاب و عفاف در کشور ما در دوران سه دهه پس از انقلاب حقیقتاً گرفتار یک چند ضلعی آسیب‌رسان بوده است که اضلاع آن عبارت‌اند از:

۱- افراط و تفریط، ۲- بد دفاع کردن، ۳- فقدان همگرایی در گروه‌های مرجع، ۴- فقدان الگوهای میانجی و همانندساز، ۵- فقدان استقرار و استمرار در برنامه‌ها.

در دوران پس از انقلاب شاهد این افراط و تفریط‌ها بوده‌ایم. سخت‌گیری‌های شدید در استفاده از حجاب برتر بدون شناساندن ارزش این نوع پوشش برای استفاده‌کننده و به شکل تفریطی؛ وادادگی و رها کردن اصل حجاب تحت عنوان ظاهر فریب، پاکی دل و عدم نیاز به آراستگی دینی ظاهری.

حجاب و عفاف گرفتار بد دفاع کردن است، اثر بد دفاع کردن می‌تواند هزاران بار از خوب‌کوبیدن، مخرب‌تر باشد. امروز دختران جامعه ما به عنوان مخاطب اصلی پیام وجوب حجاب به دنبال دانستن چرایی این حکم الهی اند آن‌هم در فضای مسموم شده به انواع شبهات و القائات. شبهاتی از این دست که حجاب مربوط به روزگار پیامبر بوده نه زمانهای دیگر یا اینکه حجاب یک فضیلت است نه یک فریضه یا موضوعیت حجاب از بین رفته است و...

حال در میان این همه سموم فکری القا شده، مدافعی بوده و هستند که در عین گرفتار بودن در جهالت، از باب «بددفاع کردن» به استدلال برای جامعه زنان و دختران جوان می‌پردازند. این مسئله جامعه هدف را از حجاب که یا با آن «آشنا» نیست و یا «آشتی» نیست دور و دورتر می‌کند. از جمله نمونه‌های بد دفاع کردن بیان این مطلب است که خداوند حجاب را برای زنان و دختران وضع فرمود تا مردان و پسران دچار هیجانات غیراخلاقی و جنسی نشوند و در جامعه راحت در تردد باشند. مخاطب جوان این نحو استدلال بلافاصله پرسشگری را با پرخاشگری در هم می‌آمیزد و می‌گوید من در گرما در مشکل و تعب باشم تا مردان آسوده باشند. حال آن که در لسان «بَیِّنٍ و لَیِّنٍ» خدای متعال که از دو ویژگی روشنگری و مهربانی سرشار است رد پای از این گونه استدالات نیست. خدای متعال نفع مستقیم عمل به فریضه حجاب را برای زن و جامعه زنان می‌داند و هدف اصلی این

حکم الهی در درجه اول بهره‌مندی زن است، نه مرد که قرآن کریم می‌فرماید: «ذلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَّعْرِفَنَّ فَلَا یُؤْذِنُ»^۱

این نزدیک‌تر است به اینکه شما زنان شناخته شوید. حجاب برای شناساندن شماست در جامعه آن هم با حیثیت انسانی نه ابعاد جنسی و جسمی؛ برای آن است که شما مورد آزار واقع نشوید، سخن از راحتی مردان در کار نیست. اگر جلوه‌های «مهرآمیز حجاب» و جلوه‌های «قهرآمیز بی‌حجابی» به درستی تبیین شود بدون شک زنان در می‌یابند که حجاب فرصت روشنی سبز را در جامعه به زنان می‌دهد تا با بازکردن حیثیت انسانی خود و پنهان نمودن هیئت زنانگی خود با جامعه در تعامل قرار گیرند و جسم آنان مورد سوء استفاده مردان قرار نگیرد. پس بهره نخست این فریضه حفظ سرمایه عفت و جمال زن از دست برد طمعکاران و سودجویان است.

حجاب و عفاف همچنین گرفتار فقدان همگرایی در گروه‌های مرجع یعنی نهادهای قانون‌گذار، اجرا، رسانه و نظارت بوده است. باید گفت که میان این چهار نهاد مرجع در موضوع حجاب و عفاف پس از انقلاب همگرایی لازم ایجاد نشده است. مردم در هر جامعه از راه‌ها، خطوط اجتماعی و هنجارهایی که مسئولان پدیدآورنده آن هستند عبور و مرور می‌کنند و این عبورها به تعبیر زیبای امام علی (ع)^۲ مسیر پلکانی شخصیت آدمی را رقم می‌زند؛ یعنی هر موضوعی در ابتدا «فکر انسان» می‌شود و کم‌کم «گفتار انسان» و در مرحله دیگر «رفتار آدمی» را شکل می‌دهد و در مرحله چهارم «عادت فرد» را پدید می‌آورد و در مرحله پنجم همین عادت‌ها «شخصیت انسان» را می‌سازد و در نهایت «سرنوشت آدمی» را رقم می‌زند. مسیر شش مرحله‌ای افکار، گفتار، رفتار، عادت، شخصیت و سرنوشت تحت اثرگذاری نهادهای برشمرده است. در این چرخه، قانون به عنوان یک قدرت مشروع اما خاموش، یک نقطه آغاز است تا با مجری و اجرای درست و فراگیر، قدرت بالقوه قانون بالفعل گردد و زیان خاموش آن در بستر اجرا روشن.

متولیان اجرا دو وظیفه مهم را بر عهده داشته‌اند که همگرایی لازم در آنها دیده نشده است. این دو وظیفه مهم یعنی مدیریت موضوع حجاب در مجموعه جامعه با رویکرد

فرهنگ سازی، باورمندی، تسهیل و تشویق و وظیفه مهم دیگر رعایت موضوع حجاب در مجموعه جامعه با رویکرد نظارت است.

در حوزه فرهنگ سازی متأسفانه عناصر متولی فرهنگ، زبان مفاهمه لازم را برای متقاعدسازی مخاطبان نیافته اند و از سوی دیگر به دلیل اینکه عدم رعایت حجاب یکی از بهترین سمبل های توجه به هوا و خواش نفسانی است در صورت عدم متقاعدسازی منطقی مخاطب، گردن نهادن به این مهم بسیار سخت تر از عدم اجرای آن است. زمانی که بخش اول یعنی متقاعدسازی به درستی انجام نشده باشد رویکرد نظارتی صرفاً متکی به احکام دستوری خواهد بود و اجرایی کردن آن بسیار سخت تر و زمان بر تر است. لذا در طول سه دهه انقلاب عدم همگرایی میان نهادها و گروه های مرجع شکاف های بزرگی را پدید آورده که مخفیگاه مناسبی برای انواع برنامه ریزی های دشمنان و سازماندهی ساختار-شکنی ها و توسعه ابتذال و تفرج و فساد در جامعه است.

موضوع حجاب و عفاف گرفتار فقدان الگوهای میانجی و همانندسازی است. بدون شک نقش الگوها یعنی باید ها و بایسته هایی که به مسند رفتار نشسته است موضوع مهمی در امر تربیت و عادت آدمی است. حقیقتاً صدایی که از رفتار آدمی برمی خیزد هیچ گوشی آن را فراموش نخواهد کرد و ما به همین دلیل در دایره معرفت دینی در کنار ساحت «گزاره ها» و «آموزه ها» ساحت مهمی به نام «الگوها» داریم. الگوها آن قدر حائز اهمیت اند که در کنار قرآن به عنوان منبع عظیم تشریح حق، سنت و سیره نبوی و امامان معصوم، نشسته و فاروق حق از باطل گشته اند. نقش الگوها به دلیل قدرت اثرگذاری در قابلیت همانندسازی، امکان ایجاد اعتماد و امکان اشتیاق به گونه ای است که خداوند در قرآن کریم قبل از آنکه بر ویژگی های والا و برجسته پیامبر دست بگذارد، یادآوری می کند که او را از جنس شما حتی مانند شما قرار دادیم و این یعنی پیامبر الگوست.

چرا که الگو می باید دو ویژگی قطعی داشته باشد: ۱- از جنس مخاطب باشد ۲- از مخاطب جلوتر باشد. این که از جنس مخاطب است دو اثر را به دنبال خواهد داشت: اول اینکه ایجاد امید و امکان می کند؛ زیرا الگو هم با همین تراحمات و کشمکش هایی که در درون «پیرو» است مواجه است و دوم اینکه ایجاد اشتیاق می کند و

پیرو درمی یابد که الگو هم در اصل مانند او بوده و اکنون به اوج رسیده است، پس من هم می توانم رشد کنم. نفس این دریافت، اشتیاق آور است و دیگر مهم، این است که الگو از مخاطب جلوتر باشد که اگر مثل مخاطب بود دیگر الگو نیست؛ چون الگو یعنی پیش گام و پیش گام یعنی جلودار و جلوتر. این موضوع ساده و بدیهی که می تواند برای نسل جوان یک حیات جدید فراهم کند، موضوع گمشده جامعه ماست، سیمای تابناک معصومین به تعبیر قرآن «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» است، همان امید و اشتیاق را برای حرکت به سمت آنها برمی انگیزد، اما نباید تردید کرد که شدت اوج گیری آنها و فاصله طولانی ما تا آنان می بایست توسط الگوهای میانجی محسوس طی شود و دست ما به دامن آنها توسط این الگوها برسد. درست مثل هواپیمای سریع السیری که بهترین، ایمن ترین و سریع ترین وسیله برای رساندن ما به مقصد است، اما این هواپیما به در خانه ما نمی آید تا از همان جا مسافرش شویم، باید با وسائل میانجی و حد واسط حرکت کنیم تا به نزدیک هواپیما برسیم. خدای مهربان در قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^۱ یعنی ای کسانی که ایمان آوردید دنبال وسیله باشید برای حرکت به سمت خدا، وسیله های حقیقی که در دعای توسل آنها را یاد می کنیم چهارده سفینه سفر و چهارده ستاره عصمت اند، اما شمع ها و محفل هایی لازم است تا ما را بدان ها و بدانجا رهنمون شوند و نسل جوان بیش از همه نیازمند این الگوهای میانجی در عرصه های علم، هنر، کار، ایثار، ورزش، تعاون، خانواده و ... است که باید تولید و معرفی شوند تا هرکسی از در اقبال خود با حقیقت و هدایت آشنا شود که امام علی (ع) فرمود: «بدانید و آگاه باشید که قلب های مردم «در اقبالی» دارند و «در ادباری»^۲ یعنی در گشوده ای دارند و در ناگشوده ای. سعی کنید از در گشوده وارد شوید» و الگوهای میانجی می توانند از در اقبال، زمینه اثرگذاری بیشتری داشته باشند.

۱- مانند، ۳۵.

۲- نهج البلاغه، فصار الحکم، حکمت ۳۱۲.

حجاب و عفاف گرفتار در عدم استمرار طرح‌ها و عدم استقرار در آنهاست. ابن خلدون در این زمینه سخن نغزی دارد که می‌گوید: «در بین اقوام و ملل و طوایف، کولی‌ها جزء اقوام کهن تاریخ هستند اما به دلیل عدم استقرار در یک محل و مکان هیچ اثری از خود به جای نگذاشته‌اند. ویژگی قوم کولی‌ها در جهان که مانع از بجا گذاشتن نشانه و اثر شده است به ویژگی یک سری از برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌های جامعه ما تبدیل شده است و آن عدم استمرار تصمیم‌های درست و عدم استقرار در برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی به دلیل تفاوت سلیقه مسئولان اجرایی در دهه‌های مختلف انقلاب است. لذا برنامه‌های فرهنگی که ماهیت دراز مدت دارد چون سلیقه‌ای است با رویکرد متفاوت دولتها تغییر می‌کند و به مرحله استقرار نرسیده دچار تحول می‌شود، لذا جامعه سر در گم می‌ماند که کدام راه را باید طی کند.

دوام و تداوم آن قدر حائز اهمیت است که از آن در حوزه معارف دینی ما به عنوان یک معیار اثرگذار و بلکه تمیزدهنده یاد شده است.

امام صادق (ع) در فرازی می‌فرماید: «سزاوار نیست کسی کاری را بگوید انجام می‌دهم و زودتر از ۱۲ ماه آن را کنار بگذارد» یا وقتی عده‌ای خدمت رسول مکرم اسلام می‌رسند و می‌گویند ما از منافق بودن می‌ترسیم، حضرت می‌فرماید که مگر احوال شما چگونه است و آنها پاسخ می‌دهند که ما هر وقت کلام شما را می‌شنویم متقلب می‌شویم، یک احوالات خاصی پیدا می‌کنیم و با خود می‌گوئیم بعد از این چنین و چنان خواهیم کرد، اما همین‌که از محضر شما خارج می‌شویم «ورأینا العیال و شممنا الاولاد»^۱ وقتی بوی زن و زندگی و فرزندان به ما می‌خورد باز همان آدم قبلی می‌شویم. حضرت در پاسخ به شاخصه «دوام و تداوم» اشاره فرمودند و علت گرفتاری آنها را عدم استمرار و عدم دوام این حالات دانستند فلذا فرمودند: «لو تدمون علی حالته التی وصفتم لافتحکم الملائکة و مشیتهم علی الماء» اگر دوام می‌آوردید به آن حالتی که الان برایم وصف کردید هر آینه ملائکه به دیدار شما می‌آمدند و بر روی آب راه می‌رفتید؛ یعنی اگر آن شهاب روشن یک لحظه‌ای را تداوم بخشیده بودید، حتماً به یک خورشید روشن مداوم تبدیل می‌شدید. آن وقت آسمان، مشتاق

۱- مرتضی مطهری، انسان کامل، انتشارات صدرا، ۱۳۶۰، ص ۳۴.

شما بود و زمین مطیع شما و این راز اثرگذاری دوام و تداوم در استقرار و استمرار است که متأسفانه در سه دهه انقلاب به بزرگترین آفت برای برنامه‌های فرهنگی و مدیران فرهنگی جامعه تبدیل شده است و بیشترین گزش و تنش آن هم نصیب امر حجاب و عفاف شده است و این در حالی است که می‌توان با برنامه‌ریزی‌های درست هم «مطلب حق» را ادا کرد و هم با اجرای درست «حق مطلب» را ادا نمود. از آنجائی که موضوع حجاب و عفاف در جامعه ما به مثابه شناسنامه، بیانگر نوع نظام حاکم بر جامعه است و هم‌چنین نشانگر میزان التزام شهروندان به فرمان الهی و میزان کارایی نظام تعلیمی (آموزش رسمی) و نظام تبلیغی (آموزشی غیررسمی) است و این که چه قدر توانسته‌اند در باورپذیری یا جامعه‌پذیری این باور دینی و هنجارهای اجتماعی موفق باشند اهمیت آن صد چندان می‌شود. لذا باید از برنامه ریزی‌های سلیقه ای در مورد آن اجتناب کرد و نهاد نظارتی آن نیز به کانونی که دارای سیاست‌گذاری متغیر است وابسته نباشد تا امکان برنامه ریزی درست و نظارت منطقی میسر گردد. ما در این نوشتار ضمن پرداختن به چرایی و چگونگی حجاب به سؤالات متنوع و گوناگونی که در ذهن نسل جوان جای گرفته خواهیم پرداخت و تا حد مجال و مقدور به آنها پاسخ خواهیم داد.

ورود و پاسخگویی ما به موضوع حجاب و عفاف در قالب عناوین ذیل خواهد بود:

- الف) واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات
- ب) تأکیدات هفده‌گانه قرآن بر حجاب و عفاف
- ج) چرایی و فلسفه لباس، عفاف و حجاب
- د) چگونگی پوشش و حجاب
- ه) غرب در چالش حجاب و عفاف
- و) راهکارها و پیشنهادها